

## "شورای امنیت، شناسایی و تثبیت مشارکت زنان در فرایند صلح"<sup>۱</sup>

### چکیده:

فرایند صلح بر اساس تعریف ارایه شده در قطعنامه ۱۸۸۹ شورای امنیت، مشتمل بر دیپلماسی پیشگیرانه، جلوگیری از درگیری، ایجاد صلح و نهادینه‌سازی صلح است و فعالیت‌هایی چون حل درگیری، مذاکرات صلح، بازسازی نهادها و مقررات بشردوستانه نیز در همین فرایند مستقر است. با چنین قلمرو گسترده‌ای، مداخله و مشارکت تمامی اعضای جامعه بین‌المللی از جمله زنان، در دستیابی به صلح پایدار ضروری می‌نماید. شورای امنیت سازمان ملل در فاصله سالهای ۲۰۰۰ تاکنون با صدور هفت قطعنامه در صدد پیوند زنان با صلح و امنیت بین‌المللی و در حقیقت تغییر وضعیت ایشان از قربانیان درگیری‌ها به شرکاء و تصمیم‌گیرندگان در فرایند صلح برآمده است. این شورادر قطعنامه ۱۳۲۵، بطور رسمی رابطه بین زنان، صلح و امنیت بین‌المللی را شناسایی نموده، نقش حیاتی مشارکت زنان در رهبری، توانمندسازی و تصمیم‌سازی را به رسمیت شناخت و با تکرار آن در قطعنامه‌های بعدی، تحقق صلح پایدار را در گرو اتخاذ تدابیری دانست که نگرانی‌ها در خصوص حقوق سیاسی، امنیتی و حقوق بشر از جمله نابرابری جنسیت‌ها را از بین ببرد. این وضعیت از یک سو مؤید اراده جامعه جهانی در هنجارسازی و تثبیت مشارکت زنان در فرایند صلح و از سوی دیگر نشان دهنده دشواری‌های عملی در تحقق آن است. در این مقاله با تحلیل عملکرد شورای امنیت و تطبیق آن با رخدادهای جامعه بین‌المللی، اثربخشی این اقدامات را در ارتقاء وضعیت زنان در فرایند صلح، ارزیابی خواهیم کرد.

واژگان کلیدی:

فرایند صلح، شورای امنیت، مشارکت زنان، صلح پایدار

### مقدمه:

"صلح" بنیادی‌ترین نیاز و آرمان انسانی است که مفهوم آن به اعتبار مطالبات جامعه جهانی و تصمیمات و اقدامات سازمان ملل متحد بویژه شورای امنیت، بتدریج متحول شده، ابعاد تازه‌ای یافته است. "نجات نسل‌های آینده از بلای جنگ"، آرمانی بود که "مردمان جهان"، سازمان ملل متحد را بر مبنای آن تشکیل دادند و تا به امروز بدان دل بسته‌اند. در این معنا "صلح" صرفاً در مفهوم سلبی آن یعنی فقدان جنگ بود اما دیدگاه حقوق بین‌الملل معاصر به صلح، ریشه‌ای و بنیان‌نگر می‌باشد.

<sup>۱</sup> هنگامه غضنفری، دکتری حقوق بین‌الملل و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم‌آباد، تلفن: ۰۹۱۶۳۶۱۱۴۰۷  
پست الکترونیکی: ghazanfari.h50@gmail.com

مطابق این رویکرد مبارزه با جنگ مبارزه با نتیجه است و مبارزه با نتیجه مبارزه ثمربخشی نخواهد بود. در حقیقت مبارزه با جنگ در صورتی کارساز و منجر به صلح واقعی خواهد شد که، بر رفع زمینه های بروز خشونت متمرکز گردد. اساس این دیدگاه مبارزه با فقر، گرسنگی، تبعیض، نقض فاحش حقوق بشر و آزادیهای بنیادین بشری و سایر انواع خشونت ساختاری، فرهنگی و... به عنوان مقدمه برای تامین صلح و امنیت بین المللی است. قلمرو فرایند صلح نیز در ارتباط تنگاتنگ با مفهوم صلح بوده، به اقتضای توفیق یا شکست در تحقق صلح پایدار تعریف و تدقیق می گردد. جامعه بین المللی در تلاش برای تحقق صلح پایدار سازکارهای متنوعی برای پایان بخشی به جنگ، کاهش خشونت و برقراری صلح بکار گرفته است که مجموعاً فرایند صلح را در بر می گیرد.

از این منظر صلح محدود به امنیت ملی نیست، بلکه همان فرایند پویایی است که توأم با عناصر مرتبط خویش، باعث ارتقاء کیفیت زندگی می شود و تعالی حیات، رفاه، توسعه و افزایش خلاقیت افراد در درون جامعه را به دنبال دارد. به گونه ای که افراد بتوانند توانایی های فیزیکی، اجتماعی، ذهنی و روحی خود را در مسیرهای سازنده پیدا کنند (۱).

مطابق منشور ملل متحد، شورای امنیت مسئولیت اصلی و اولیه حفظ صلح در نظام ملل متحد را بعهده دارد و این نهاد مرجع تشخیص "تهدید علیه صلح، نقض صلح و عمل تجاوز" و سپس اتخاذ اقدامات جمعی برای جلوگیری از بروز جنگ، توقف و خاتمه بخشی به درگیری، رفع تهدید بر صلح و نیز مقابله با عمل تجاوزکارانه است. شورای امنیت به اتکای صلاحیت خویش تاکنون عملیات حفظ صلح متعددی را در نقاط مختلف جهان بر پا کرده، مداخله بشردوستانه را تجویز کرده، به ایجاد دادگاههای رسیدگی به جنایات جنگی و اقدامات دیگری مبادرت نموده است (۲).

شورای امنیت در قطعنامه شماره ۱۸۸۹ سال ۲۰۰۹ که در خصوص ارتقاء مشارکت زنان در کلیه مراحل فرایند صلح صادر گردید، تعریفی از "فرایند صلح" ارائه نمود. مطابق این تعریف فرایند صلح شامل دیپلماسی پیشگیرانه، جلوگیری از درگیری، ایجاد صلح و نهادینه سازی صلح است. البته فعالیت هایی چون حل درگیری، مذاکرات صلح، سازش، بازسازی نهادها و مقررات بشر دوستانه نیز بخشی از فرایند صلح محسوب می شوند. بنابراین فرایند صلح، صرفاً در برگیرنده دیدگاههای مستقیم و رسمی طرفین درگیر بدون مداخله بیرونی نیست و اقدام هایی چون میانجیگری های رسمی و غیر رسمی، گفتگو، حفظ صلح، ایجاد صلح و نیز تحکیم صلح، همگی در گرو مشارکت و همبستگی جامعه بین المللی، شامل دولتها، سازمانهای بین المللی، جامعه مدنی خصوصاً سازمان های غیر دولتی و گروه های مختلف مردمی از جمله زنان است.

در اکتبر ۲۰۰۰، قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت به طور رسمی، رابطه بین زنان، صلح و امنیت بین المللی را شناسایی نموده و نقش حیاتی مشارکت زنان در رهبری، توانمند سازی و تصمیم سازی را به رسمیت شناخت. شورای امنیت، آسیب های شدید و غیر منصفانه وارده بر زنان در درگیری های مسلحانه را محکوم و از مصادیق نقض صلح و امنیت بین المللی، محسوب نمود. در این قطعنامه مشارکت باارزش و کاربردی، نقش زنان در جلوگیری از درگیری، ایجاد صلح، حل درگیری و نهادینه سازی صلح شناسایی شده و در عین حال، بر اهمیت برابر آنان و مشارکت کامل به عنوان نمایندگان فعال در صلح و امنیت بین المللی، پافشاری گردید.

شورای امنیت ۶ قطعنامه دیگر، به شماره های ۱۸۲۰ (۲۰۰۸)، ۱۸۸۸ (۲۰۰۹)، ۱۸۸۹ (۲۰۰۹)، ۱۹۶۰ (۲۰۱۰)، ۲۱۰۶ (۲۰۱۳)، ۲۱۲۲ (۲۰۱۳) در مورد زنان، صلح و امنیت صادر کرده که متفقا چارچوب سیاست بین المللی را در این خصوص تشکیل می دهند. این قطعنامه ها، فعالیت برای ارتقاء حفاظت از حقوق زنان در درگیری های مسلحانه و وضعیت های پس از درگیری را هدایت می کنند و درصدد تغییر وضعیت زنان از قربانیان درگیری های مسلحانه به شرکاء و تصمیم گیرندگان در موضوعات صلح و نهادینه سازی صلح هستند. بر این اساس حضور فعال و توجه به حقوق آنان در مذاکرات توافق های صلح، برنامه ریزی های عملیات بشر دوستانه و حفظ صلح و نیز در بازسازی جوامع رها شده از جنگ، مدّ نظر قرار گرفته است. علاوه بر آن الزامات محکمی برای دولت های عضو، شورای امنیت، دبیر کل و نیز بازیگران غیر دولتی در حفاظت از حقوق بشر زنان قرار می دهد؛ به گونه ای که ابعاد جنسیتی را در همه ابتکارات و اقدامات صلح و امنیت بکار گیرند. شورای امنیت نقش جامعه مدنی و حضور سازمان های زنان و دیگر سازمان های غیر دولتی رسمی شناخته شده به واسطه تلاشهایشان را در تمامی اجزاء فرایند صلح شناسایی نموده، آنان را در کنار دیگر بازیگران قرار داده است.

بر اساس اظهارات رئیس شورای امنیت در ۸ مارس ۲۰۰۰ (۳) اعضای شورای امنیت تاکید دارند، برای حفظ و ارتقاء صلح و امنیت بین المللی دسترسی برابر و مشارکت کامل زنان در ساختارهای قدرت و حضور کامل آنان در همه تلاشهایی که برای جلوگیری و حل درگیری صورت می گیرد، بسیار اساسی است. در این نوشتار ابعاد و نتایج مداخله شورای امنیت در حمایت از زنان در درگیری های مسلحانه را از دو منظر ارتقاء حقوق بشر دوستانه با حمایت از زنان و جلوگیری از اعمال خشونت علیه آنان در درگیری های مسلحانه و نیز تقویت مشارکت زنان در فرایند صلح بررسی می نماییم.

## ۱- شورای امنیت؛ ارتقاء حقوق بشردوستانه با حمایت از زنان

ارتقاء حمایت از زنان با جلوگیری از خشونت و اعمال فجایع انسانی و نیز تجاوزات سازمان یافته علیه آنان در درگیری های مسلحانه، از دغدغه های اساسی بشریت بوده و توجه ویژه جامعه جهانی را به خود اختصاص داده است. تحت تاثیر مستقیم یا غیر مستقیم جنگها روزانه هزاران زن و کودک در سطح جهان در اثر گرسنگی، کمبود آب و غذا و بیماری های رایج ناشی از مخاصمات مسلحانه قربانی می شوند. در سرتاسر جهان انسانها در اثر درگیری های مسلحانه و اختلافات خشونت بار، ترور، اسارت و اشغال در رنج و عذابند و کرامت انسانی زنان، به خاطر درگیری های ناشی از اشغال و نیز اختلافات قومی و گروهی و مذهبی مورد هدف های حمله جویانه و تاکتیک های ترورآمیز قرار گرفته است (۴).

با وجودی که بسیاری از تجارب ناگوار زنان در حین درگیری های مسلحانه و پس از آن، نظیر مردان است اما تفاوت های مهمی بین آنها وجود دارد؛ زنان به اهداف اصلی درگیری های مسلحانه تبدیل شده اند و خشونت های مبتنی بر جنسیت نوعی سلاح جنگی محسوب می گردد. خشونت و بهره برداری جنسی نظیر شکنجه، تجاوز، تجاوز گروهی، بارداری اجباری، بردگی جنسی و فحشای اجباری بیش از دیگر اشکال خشونت، به زنان آسیب وارد می کند. معمولاً حقوق بشر نیز در خصوص زنان پناهنده، به وطن بازگشته و آواره در زمان اسکان در اردوگاه ها و در مدت آوارگی رعایت نمی شود و با خطرات و مزاحمت های زیادی مواجه هستند.

از مشکلات حاد بین المللی، مسئله تجاوز نظام یافته به زنان در مناقشات مسلحانه است که با هدف پاکسازی قومی به طور وحشیانه صورت می پذیرد. به طور مثال در دوره جنگ جهانی دوم حدود یکصد هزار تا دویست هزار زن به نحوی منظم استخدام یا ربوده شدند و با رفتار غیر انسانی که در موردشان صورت می گرفت، مجبور می گردیدند که به عنوان «زنان آرامش بخش» از لحاظ جنسی در خدمت سربازان ژاپنی قرار گیرند.

علیرغم توسعه قابل توجه حقوق بشر برای حمایت از زنان، هیچ کنوانسیون الزام آوری در این خصوص برای زمان جنگ تصویب نشده است و تا امروز صرفاً به یک اعلامیه شش اصلی اکتفا شده است (۵). اعلامیه مجمع عمومی با عنوان: "وضعیت زنان و کودکان در مواقع اضطراری و تعارض مسلحانه"، در مقدمه خویش به رنج عمیق زنان و کودکان در مواقع اضطراری و تعارض نگاه می کند و از کشورهای جهان می خواهد که، برای صلح، خود مختاری، رهایی ملی و استقلال، مسئولیت خود را برای حمایت از نسل در حال رشد و مادران که نقش اساسی در جامعه ایفا می

کنند، انجام داده و در این راستا، خواستار اجرای کنوانسیون های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹، می شود(۶).

از لحاظ تاریخی، حمایت از زنان در زمان جنگ، نخستین بار در جنگ داخلی امریکا و در قانون لیبر(۷) بعنوان خط مشی و تکلیف برای رزمندگان امریکا اتفاق افتاد که مطابق ماده ۴۷ آن مجازات هایی برای مرتکبین تجاوز به عنف نسبت به ساکنین کشور متخاصم مقرر شده بود(۸).

در حال حاضر چارچوب حقوق بین الملل برای حمایت از زنان و دختران در درگیری های مسلحانه شامل حقوق بین الملل بشردوستانه، حقوق بشر بین المللی، حقوق جزای بین الملل و حقوق بین الملل پناهندگان است. حمایت های حقوق بشر بین المللی بر اساس عدم تبعیض کاربرد دارد و سند کلیدی حقوق بشر زنان یعنی کنوانسیون حذف تمام اشکال تبعیض علیه زنان، بطور خاص به قاچاق زنان و بهره کشی از زنان در شکل فحشا می پردازد. کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه جرایم سازمان یافته فراملی و پروتکل های الحاقی، بطور کامل قاچاق انسان را تحت پوشش خود قرار داده اند. از طرفی حمایت های خاص برای کودکان به دختران نیز تسری می یابد؛ مقررات کنوانسیون حقوق کودک و پروتکل های اختیاری آن در خصوص فروش کودکان، فحشا در کودکان و هرزه نمایی کودک و شرکت در درگیری های مسلحانه در همین راستا است. هم چنین قواعد حقوق جزای بین الملل در خصوص خشونت های جنسی علیه زنان و دختران در جریان درگیری های مسلحانه از اهمیت ویژه ای برخوردار شده است. علاوه بر این با تعریفی که کنوانسیون مربوط به وضعیت پناهندگان ۱۹۵۱ از پناهندگان ارایه داده است، زنان و دختران می توانند بر اساس آزارهای مبتنی بر جنسیت و بدلیل اعمال خشونت های جنسی، درخواست پناهندگی کنند(۹).

بر اساس قواعد عمومی حقوق بین الملل بشر دوستانه حاکم بر درگیری های مسلحانه همه افراد غیر نظامی باید مورد حمایت قرار گرفته، ضمن رفتار انسانی، شخصیت آنان محترم شمرده شود. با این وجود، به دلیل وضعیت ویژه حمایت های خاص از برخی افراد به عمل آمده، که زنان یکی از آنها هستند(۱۰). بدین ترتیب در حقوق بین الملل بشردوستانه، ۱۹ ماده در کنوانسیون های چهارگانه ژنو و با احتساب مقررات پروتکل های الحاقی مجموعاً ۳۰ ماده به حمایت از زنان در درگیری های مسلحانه اختصاص یافته است. لازم بذکر است که ماده ۷۶ پروتکل اول تحت عنوان حمایت از زنان، به حمایت های ویژه از زنان اختصاص دارد اما در پروتکل دوم ماده ای مختص زنان گنجانده نشده است. مطابق بند ۱ و ۲ ماده چهار پروتکل دوم، همه افرادی که در منازعات شرکت ندارند مورد حمایت واقع شده و ارتکاب برخی اعمال نسبت به آنان ممنوع اعلام شده است. البته بایستی توجه داشت که زنان بطور معمول و با لحاظ وضعیت خاص خود بیش از دیگر گروههای

انسانی در معرض این اعمال نظیر هتک حرمت به شأن انسانی، تجاوز به عنف و فحشای اجباری هستند (۱۱).

در بررسی قواعد حقوق بشردوستانه بین المللی دو ایراد بزرگ مشهود است؛ نخست این که در تاکید بر ویژگی جنسیتی برای تحمل درد و رنج ناشی از خشونت ها موفق نبوده اند و دوم این که در نتیجه همین ایراد، اهمیت جرایم علیه زنان بقدر کفایت شناسایی نشده است (۱۲). افزایش مداوم خشونت ها علیه زنان در درگیری های پس از جنگ سرد نیز، موید ناکافی بودن حمایت های بشردوستانه موجود بود. مطابق تخمین ها در تجاوز عراق به کویت نزدیک به ۵۰۰۰ زن کویتی مورد تجاوز سربازان عراقی قرار گرفته اند (۱۳). در جنگ کنگو حدود ۱۰۰ هزار زن قربانی خشونت جنسی شدند و مشابه آن در لیبی، یوگسلاوی، افغانستان و بسیاری نقاط درگیر دیگر اتفاق افتاد (۱۴).

کنفرانس حقوق بشر ۱۹۹۳ وین، سرآغاز بحث های جدیدی در خصوص حقوق انسانی زنان در جریان جنگ ها بود و تحرک سازمان های غیر دولتی زنان را برای تاثیر بیشتر در جامعه بین المللی، به دنبال داشت. در ۱۹۹۳ مجمع عمومی اعلامیه لغو هر نوع خشونت علیه زنان را صادر کرد و خواستار توقف اعمال هر نوع خشونت علیه زنان در جریان منازعات مسلحانه شد. کنفرانس پکن ۱۹۹۵، با حضور صدها نماینده جامعه مدنی و دولت های جهان، قاطعانه خواستار پایان بخشی به نقض حقوق انسانی زنان در جریان درگیری های مسلحانه شدند (۱۵).

کنفرانس جهانی زنان به عنوان شرکای صلح، ابتکار دیگری بود که در راستای توجه جهانی به ضرورت مشارکت زنان در فرایند صلح، در سال ۲۰۰۰ تشکیل گردید و در اعلامیه آن، با اشاره به مصیبت های زنان آفریقایی، که هم چنان قربانی منازعات مسلحانه هستند، عزم جامع جهانی برای متوقف کردن این فجایع را درخواست نمودند. علاوه بر آن خواستار حضور فعال و موثر زنان در گفتگوها و برنامه های حفظ و برقراری صلح شدند (۱۶).

آگاهی بین المللی از بی رحمی هایی که زنان در جنگ ها متحمل می شوند با بوجود آمدن مسئولیت جهانی برای حمایت از زنان از طریق میانجیگری شورای امنیت همزمان بود. با وجود نقش شورای امنیت در اجرای حقوق بین الملل و اینکه اعطای صلاحیت بر این مبنا توسط منشور ملل متحد غیرقابل اعتراض است، اما نقش این شورا در حقوق بشر یک نوآوری و بدعت است. از زمان پایان جنگ سرد و فرو ریختن دیوار برلین، کانون توجهات در امنیت بین المللی به سمت رفع کشمکش های داخلی و بین شهروندان که مربوط به خشونت علیه اتباع غیر نظامی بوده، متمایل شد.

شورای امنیت در مقابله با فجایع رخ داده و از طریق ایجاد دادگاه های کیفری مقابله با نقض شدید حقوق بشر را در دستور کار خویش قرار داد و در این راستا تلاش نمود جنایات خاصی نظیر تجاوز، فحشای اجباری و بردگی جنسی را که زنان و دختران در درگیری های مسلحانه تجربه می کنند، در قالب تعاریف جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت و به عنوان اجزای نسل کشی و شکنجه مورد پیگیری قرار گیرد. این موضوع در قواعد حاکم بر دادگاه بین المللی یوگسلاوی، رواندا، اساسنامه دادگاه ویژه سیرالئون و اساسنامه دیوان کیفری بین المللی درج گردید.

بایستی اذعان داشت، امروزه مسئولیت شورای امنیت در خصوص حمایت از قربانیان درگیری های مسلحانه تاحد وفاق عام یک سو شده است. بعد از ارائه نظرات متفاوت در خصوص قواعد بحث برانگیز دخالت های بشر دوستانه و رابطه بین اقدام برای حفظ صلح و تقویت نمودن دموکراسی، حقوق و آزادی های اساسی، نهایتاً یک وفاق عام در نشست جهانی سال ۲۰۰۵ بدست آمد. بر این اساس وقتی تمام ابزارهای دیپلماتیک از بین برود و سیستم سنتی حمایت از افراد بر مبنای مسئولیت کشور و همکاری بین المللی برای حمایت از افراد با شکست مواجه شود در اینجا وظیفه حمایت از افراد به شورای امنیت سپرده می شود (۱۷).

نشست سران کشورهای جهان، در شصتمین سالگرد تأسیس سازمان ملل متحد و در سال ۲۰۰۵، یکی از بزرگترین گردهمایی های طول تاریخ در حوزه حقوق و روابط بین الملل است که در آن، حدود ۱۷۰ کشور جهان، به منظور به دست آوردن اجماع بر سر موضوعات مختلف حقوقی و سیاسی، از جمله نظریه مسئولیت حمایت، حضور به هم رسانیدند. سند نهایی نشست، در بندهای ۱۳۸ تا ۱۴۰، به طور کامل به مسئله مسئولیت حمایت می پردازد و تلاش می کند تا ضمن ارائه شالوده ای از گزارشات قبلی، با ایجاد اصلاحاتی در نظرات پیشین، اجماع بین المللی را برای مسئولیت حمایت به دست آورد. سند نهایی، چهار تعهد اصلی را برای مسئولیت حمایت پیش بینی نمود: نخست، تمام کشورها پذیرفتند که در قبال شهروندانشان در برابر نسل کشی، جرایم جنگی، پاکسازی قومی و جنایت علیه بشریت، مسئولیت حمایت دارند؛ دوم، کشورها موافقت کردند تا در کمک رسانی برای ایجاد ظرفیتی که کشورها برای عمل به مسئولیت هایشان، به آنها نیازمندند، مساعدت نمایند؛ سوم، در وضعیتی که کشور میزبان، به صورتی آشکار در انجام مسئولیت هایش ناکام می ماند، کشورها موافقت نمودند تا از تمام روش های صلح آمیز برای حمایت از جمعیت آسیب پذیر، استفاده کنند؛ چهارم، در صورت ناکامی اقدامات صلح آمیز یا نامناسب بودن آنها، شورای امنیت می تواند به تمام روش های ضروری، از جمله نیروی قهری، متوسل شود (۱۸).

شورای امنیت، بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶، تلویحاً و با استفاده از عناوین "حمایت از غیرنظامیان" یا "به خطر افتادن صلح و امنیت بین‌المللی"، از مفاهیم موجود در نظریه مسئولیت‌حمایت استفاده می‌کرد. بعد از انتشار سند نهایی نشست سران جهان در ملل متحد، در سال ۲۰۰۶، قطعنامه شماره ۱۶۷۴ مورد تصویب شورای امنیت قرار گرفت و در این قطعنامه، صریحاً مقررات بندهای ۱۳۸ و ۱۳۹ سند نهایی نشست سران جهان در سال ۲۰۰۵ درباره مسئولیت‌حمایت از مردم (از جمله زنان) در مقابل نسل‌زدایی، جرایم جنگی، پاکسازی قومی و جرایم علیه بشریت مورد تأیید مجدد قرار می‌گیرد.

شناسایی "کاربرد خشونت جنسی به عنوان یک روش جنگی" (۱۹) باعث شد که شورای امنیت دو قطعنامه دیگر به شماره های ۱۸۲۰ و ۱۸۸۸ را در سالهای ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ تصویب کند که تمرکز آنها بر خشونت مبتنی بر جنسیت بوده، بر ضرورت مشارکت زنان در محو این نوع خشونت تأکید دارد. قطعنامه ۱۸۸۸ فراخوانی برای انتصاب نمایندگان ویژه در مورد خشونت جنسی در درگیری‌ها و ایجاد راهنمایان حفاظت از زنان (۲۰) در جریان مأموریت‌های حفظ صلح است. این نمایندگان در کنار تیمی از متخصصین نسبت به وضعیت‌های خشونت جنسی عکس‌العمل سریع نشان می‌دهند.

تأکید اصلی شورای امنیت در قطعنامه ۱۸۲۰، تجاوز به عنف و دیگر اشکال خشونت‌های جنسی علیه زنان در زمان جنگ است. مطابق این قطعنامه، از سال ۲۰۰۰ در مخاصمات صورت گرفته در سراسر جهان، بطور خاص در آفریقا، خشونت‌های جنسی علیه زنان شدت یافته است؛ نظیر آنچه در درگیری‌های شدید در اوگاندا، جمهوری‌های مرکزی آفریقا، سیرالئون، لیبیا و دارفور سودان رخ داد. شورای امنیت اعلام نمود که زنان و کودکان به طور خاص به هدف‌هایی نظیر تاکتیک جنگی برای تحقیر دشمن، برای نمایش برتر بودن، ارباب‌تدریجی، متفرق کردن یا کوچ اجباری غیرنظامیان یک جامعه یا گروه نژادی، صورت می‌گیرد (۲۱). شورای امنیت همچنین بر اینکه خشونت‌های جنسی علیه زنان می‌تواند درگیری‌های مسلحانه را تشدید ببخشد و یا مانع بازگشت صلح شود تأکید بیشتری نمود و آمادگی خود را بر اتخاذ تدابیر مقتضی برای اعلام خشونت‌های جنسی گسترده یا سیستماتیک به صورت مورد به مورد، مجدداً تصریح نمود (۲۲).

در این راستا و مطابق مفاد قطعنامه، شورای امنیت در کوتاه مدت، می‌تواند تمام اشکال خشونت‌هایی که در درگیری‌های مسلحانه رخ می‌دهد را ممنوع و محکوم نماید (۲۳) و توقف سریع آنها را بخواهد (۲۴) یا اقدامات هدفمند علیه طرفی که این جنایات را انجام می‌دهد، اتخاذ نماید (۲۵) و

اقدامات بلند مدت شامل بالابردن فعالیت ها برای ممنوعیت و معرفی تجاوز به عنف و خشونت های جنسی اقدامات حمایتی توسط کشورها مطابق با تعهداتشان و مجازات مرتکبین جنایات جنسی، می باشد. در این قطعنامه وظایفی برای دبیرخانه سازمان ملل و سازمان های منطقه ای و کارکنان در جریان اقدامات حفظ صلح پیش بینی گردید (۲۶). برخی از این تعهدات اجبار به رفتار انتظامی مناسب برای نیروهای نظامی و حمایت از قاعده مسئولیت ناشی از دستور، آموزش سربازان برای جلوگیری از وقوع همه اشکال خشونت جنسی علیه غیر نظامیان، بررسی سوابق پرسنل نظامی در هنگام استخدام در اینکه قبلاً تجاوز به عنف یا خشونت جنسی مرتکب نشده باشند، خارج کردن زنان و کودکان تحت خطر حتمی خشونت جنسی به مکان امن (۲۷) و حمایت از زنان و دختران در اردوگاه پناهندگان (۲۸) است. تکلیف کشورهای عضو به فراهم نمودن مراقبت های پزشکی و درمان قربانیانی که کرامت شخصی شان مورد هتک قرار گرفته است (۲۹) و استثنا بودن این نوع اقدامات از مقررات عفو عمومی با در نظر گرفتن شدت این اقدامات و شمول آنها در اساسنامه دیوان های موقتی کیفری، از دیگر موارد مورد تاکید مجدد بود (۳۰).

در گزارش سال ۲۰۱۰ بانکی مون دبیر کل سازمان ملل متحد (۳۱)، تداوم خشونت جنسی نظام مند، گسترده و شایع در طول مخاصمات مسلحانه بطور دقیق و محکم و با ذکر نمونه ها به شورای امنیت ارایه شد. این گزارش باعث شد شورای امنیت قطعنامه ۱۹۶۰ را در دسامبر ۲۰۱۰ به اتفاق آراء صادر کند. در این قطعنامه با شناسایی خشونت جنسی به عنوان نقض جدی حقوق بشر و حقوق بین الملل و با هدف تامین عدالت برای قربانیان، ابزارهای نهادینه ای برای مبارزه با بی کیفری و انجام اقدامات معین و ضروری برای جلوگیری و حفاظت در مقابل خشونت جنسی در درگیری ها ایجاد کرد.

## ۲- شورای امنیت و تقویت مشارکت زنان در فرایند صلح

اهمیت حضور زنان در فرایند صلح در یک دهه اخیر، در قطعنامه های متعدد از سوی اعضای جامعه بین المللی به رسمیت شناخته شده است. خط مشی سیاسی مرتبط با زنان، صلح و امنیت بین المللی از سطوح بین المللی به سطوح محلی گسترش یافته، از نهادهای بین الدولی نظیر سازمان ملل تا حرکت های محلی زنان کشیده شده و این باور شکل گرفته است که بدون مشارکت زنان و گنجاندن چشم اندازهای جنسیتی در فرایندهای رسمی و غیر رسمی صلح، صلح پایدار ایجاد نخواهد شد (۳۲).

زنان از دیرباز در اعمال نفوذ و سازماندهی صلح و خلع سلاح فعال بوده اند. گروه های زنان متشکل از عامه مردم، جبهه های چند حزبی و قومی تشکیل داده اند، صلح را ترویج می کنند و

اقدامات آشتی جویانه انجام می دهند. آنان حذف تسلیحات کشتار جمعی را درخواست کرده اند، علیه سلاح های کوچک مبارزات تبلیغاتی انجام داده اند، در برنامه های جمع آوری سلاح ها شرکت کرده اند و اطلاعاتی درباره مین های زمینی منتشر کرده اند. جنبش های صلح زنان اغلب بر تجارب مشترک متمرکز هستند و در سرتاسر جبهه های مختلف همبستگی ایجاد می کنند که باعث می شود توصیف دشمن، به عنوان دیگری مشکل باشد. نگرانی های این گروه ها در مورد اعضای خانواده هایشان به آنان مشروعیت اجتماعی می بخشد و با زنان طرف مناقشه ارتباط بوجود می آورد.

با وجود محدودیت حضور زنان در حوزه صلح، زنان در قالب گروهی از اشخاص نظیر سازمان های غیر دولتی، نقش حیاتی در ارتقاء گفتمان بین انسانی ایفا می نمایند. آنان در ارایه راه حل های محلی ابتکاری و تضمین وجود صدای منطقی و اعتراض مسالمت آمیز در زمان ازدیاد فشارها عمل می کنند. مطابق گزارش ۲۰۱۰ موسسه تحقیقات صلح اسلو، لحاظ کردن ابعاد جنسیتی در توسعه و نهادینه سازی صلح یک اولویت اصلی در جامعه بین المللی است (۳۳).

با این وجود فعالیت های غیر رسمی زنان برای صلح انعکاسی در فرایندهای رسمی صلح نداشته است و زنان اغلب از فرایندهای رسمی صلح کنار گذاشته می شوند چون تصمیم گیرنده، رهبران نظامی و یا رزمنده نیستند و یا این که گاهی تصور می شود که از مهارت لازم برخوردار نیستند. از این رو فرایندهای صلح ابعاد جنسیتی را در نظر نمی گیرند و نگرانی های اصلی زنان همیشه به میز مذاکره راه نمی یابد.

با درک چنین وضعیتی و در نتیجه تلاش های بعمل آمده توسط گروه های زنان، قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت به طور رسمی، رابطه بین زنان، صلح و امنیت بین المللی را شناسایی نموده و نقش حیاتی مشارکت زنان در رهبری، توانمند سازی و تصمیم سازی را به رسمیت شناخت. مطابق بندهای ۱ تا ۷ قطعنامه ۱۳۲۵، حضور زنان در سطوح تصمیم گیری برای حل و فصل مناقشات بین المللی ضروری بوده و به دبیر کل سازمان ملل توصیه و تاکید گردیده که امکان این حضور و مشارکت فعالانه زنان در عملیات صلح و پاسداری صلح را فراهم نماید و کشورها نیز به پشتیبانی برنامه های ملل متحد توصیه شده اند.

بر اساس بند ۸ این قطعنامه نیز فعالان نظیر دولتها، سازمان های غیر دولتی، نهادهای ملل متحد و دیگر نهادها دعوت شده اند تا اولاً امکان مشارکت زنان در مذاکرات و موافقت نامه های صلح را فراهم نمایند و ثانیاً به نیازهای خاص زنان توجه کرده و به حقوق آنها احترام بگذارند.

قطعنامه ۱۳۲۵ به عنوان دستور کار زنان، صلح و امنیت بر این اصل استوار است که مشارکت موثر و لحاظ حقوق زنان و ابعاد جنسیتی تأثیرات مهم و معناداری در زندگی زنان، مردان، دختران و پسران زمین دارند. این مشارکت اجزاء محکم، مرتبط و متقابل برای حفاظت، جلوگیری و

مشارکت در احترام به حقوق بشر و کرامت انسانی و توقف ریشه های منجر به درگیری و تحقق صلح پایدار هستند. در قطعنامه ۱۳۲۵ جامعه مدنی و سازمان های غیر دولتی اعضای فرایند صلح محسوب شده، برای حضور و ارایه سازکارهای محلی صلح فراخوانده شده اند.

در تدوین و اجرای قطعنامه های شورای امنیت مرتبط با زنان، صلح و امنیت سازمان های غیر دولتی متعددی مشارکت داشته، برای آماده سازی و سپس اجرای الزامات مندرج در آنها تلاش نمودند. برخلاف دیگر قطعنامه های شورای امنیت، قطعنامه ۱۳۲۵ هیئت موسسی از سازمان های فعال و اشخاص دارد که شروط و ملزومات آن را بیان می کنند و اجرای کامل آن را انتظار دارند. این گروه ها و اشخاص تلاشهای خود و شبکه های مرتبط و متخصصین را با هم جمع کرده، برای توسعه اخبار و آمار مثبت در خصوص احترام به مندرجات قطعنامه و اجرای آن اطلاع رسانی می کنند.

"کارگروه سازمان های غیر دولتی برای زنان و صلح و امنیت" (۳۴) در ۱۹۹۹ و با هدف ارایه کمک برای تدوین و تصویب قطعنامه ۱۳۲۵ در نشست باز شورای امنیت تشکیل گردید. اقدامات این کارگروه باعث شد شورای امنیت وضعیت زنان را مثل پناهندگان، کودکان و غیر نظامیان در چارچوب تهدید علیه صلح و امنیت مورد توجه قرار دهد. شورای امنیت پس از يك جلسه فرمول آریا (۳۵) با این کارگروه (۳۶) ، قطعنامه ۱۳۲۵ را صادر کرد. این کارگروه متشکل از ۶ سازمان غیر دولتی است که متعاقب صدور قطعنامه و تاکنون برای توسعه و اجرای آن فعالیت می کنند. اعضای کارگروه شامل: درخواست لاهه برای صلح (۳۷) ، هشدار بین المللی (۳۸) ، مرکز حامی زنان (۳۹) ، زنان قفقاز برای عدالت جنسیتی (۴۰) ، کمیسیون زنان برای زنان و کودکان پناهنده (۴۱) و مجمع بین المللی زنان برای صلح و آزادی (۴۲) می باشند.

کارگروه فوق الذکر یکی از شبکه های همکار شورای امنیت به شمار می آید. ماموریت این کارگروه تشریک مساعی با سازمان ملل، دولتهای عضو و جامعه مدنی محلی برای اجرای کامل قطعنامه های صادره است. آنها در اکتبر ۲۰۰۱ گزارش تفسیری را از اقدام ها، ابتکارها و تصمیم های متخذه توسط دولتها و سازمان های غیر دولتی برای اجرای قطعنامه ارایه کردند و پس از آن نیز بصورت سالیانه این کار را انجام می دهد.

سازمان اقدام جهانی برای جلوگیری از جنگ (۴۳) نیز شبکه فراملی از زنان است که برای اتخاذ تدابیر عملی در کاهش سطح جهانی درگیری و تغییر موانع نهادینه و یا عقیدتی برای جلوگیری از درگیری مسلحانه و نقض حقوق بشر ایجاد شده است. برنامه این سازمان سرعت بخشی به هشدار زودهنگام، جلوگیری از درگیری، ترویج ابزارهای غیر خشن حل درگیری، نهادینه سازی صلح پس

از جنگ، خلع سلاح، حفظ حقوق بشر و بشر دوستانه و اجرای تعهدات مرتبط را ارتقاء می بخشد(۴۴).

مجمع بین المللی زنان برای صلح و آزادی که در ۱۹۱۵ ایجاد شد، قدیمی ترین سازمان زنان برای صلح بین المللی است که در کارگروه سازمان های غیر دولتی برای زنان و صلح و امنیت حضور داشت(۴۵). این سازمان با هدف خلع سلاح جهانی، حقوق کامل برای زنان، عدالت نژادی و اقتصادی و پایان بخشی به همه اشکال خشونت تشکیل شده، در این راستا زنان مخالف جنگ، خشونت، استثمار و همه اشکال تبعیض و ستم را از همه جای دنیا گرد هم آورده است(۴۶). هم چنین با اشخاص و گروه هایی که آرزوی اتحاد در بنیان گذاری صلح را بر پایه روشهای مسالمت آمیز و مبتنی بر عدالت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برای همه دارند، همکاری دارد. این سازمان نیز با اقدامات متنوع خود، در تلاش برای اجرای کامل و سریع قطعنامه ۱۳۲۵ بوده است. ارایه اطلاعات دقیق و جدید از موضوعات زنان، صلح و امنیت و ابتکارات نهادینه سازی صلح زنان در مناطق رها شده از درگیری، تسهیل تشکیل اجتماعات و بسیج عمومی برای حمایت از فعالیت های جامعه مدنی، سازمان ملل و دولتهایی که برای موضوع زنان، صلح و امنیت تلاش می کنند، از جمله این اقدام ها هستند(۴۷).

در ادامه شورای امنیت در سال ۲۰۰۱ در قطعنامه ۱۳۶۶، ایجاد یک هیئت عالی رتبه را در مورد ارتباطات سازمان ملل و جامعه مدنی پیشنهاد می کند(۴۸). در نتیجه چنین رویکردی سازمان های غیر دولتی زنان در فرایند صلح سیرالئون، کلمبیا، نپال، سری لانکا، صربستان، ایرلند شمالی، اوگاندا، سومالی و قبرس مشارکت داشته، در حرکت های موثر و مهم و باارزش برای گذار از جنگ به صلح سهیم شده اند(۴۹). زنان حساسیت های جنسیتی را کمی بعدتر در توافقات صلح وارد کرده، گفتمان غیر رسمی و حتی مذاکرات رسمی را ابداع نمودند. به عنوان مثال سازمان های غیر دولتی در سودان برای شمول ملاحظات بشر دوستانه اجتماعی و اقتصادی در قرارداد صلح ۲۰۰۵ فشار آوردند(۵۰). در گفتگوهای غیر رسمی در سری لانکا و فیلیپین زنان صلح طلب مسیر های سیاسی را پیموده، اعضای از دسته های مخالف را گردهم آوردند. آنان توانستند با تدابیری نظیر گفتمان غیر رسمی، ابتکارات محلی برای صلح و فعالیت های مبتنی بر اجتماع و مشاوره پایاپای، رابط برقراری گفتگو بین جوامع و عامل ایجاد هماهنگی باشند(۵۱).

برگزاری کنفرانس عدالت جنسیتی برای زنان در شرایط پس از درگیری های مسلحانه در ۲۰۰۴ توسط صندوق توسعه زنان ملل متحد و کنسرسیوم حقوقی اتحادیه بین المللی، اقدام موثری در جهت تسریع اجرای قطعنامه ۱۳۲۵ بود. در این کنفرانس که با عنوان "صلح به زنان و زنان به صلح نیاز دارند" برگزار شد، اهمیت حضور زنان در تحکیم و ثبات صلح بین المللی و در مذاکرات صلح

مورد توجه قرار گرفته، برجسته تر شد. هم چنین مشارکت فزاینده آنان و انتقال نگاه جنسیتی به این فرایند در تمام سطوح مفهوم سازی، طبقه بندی در اجرای اقدامات صلح با سازمان ملل متحد پذیرفته شد. ضمن این که اجرای قوانین و مقررات پذیرفته شده و نیز گزارش، ارزیابی، و نظارت بر عملیات با حضور زنان درخواست گردید (۵۲).

در ادامه این روند شورای امنیت در اکتبر ۲۰۰۹ قطعنامه ۱۸۸۹ را صادر نمود. مطابق این قطعنامه جامعه بین المللی ملزم به اتخاذ تدابیر بیشتری برای ارتقاء مشارکت زنان در طول کلیه مراحل فرایند صلح و مشخصا در حل درگیری و برنامه ریزی پس از درگیری و نهادهای سازی صلح گردیده اند. این تدابیر شامل تقویت حضور زنان در تصمیم سازی سیاسی و اقتصادی و در مراحل اولیه فرایند بهبودی اوضاع پس از درگیری است. هم چنین توسعه رهبری زنان و توانایی آنان، حمایت از سازمان های زنان و مقابله با دیدگاه های اجتماعی منفی در مورد توانایی زنان برای مشارکت برابر مورد تاکید قرار گرفته است (۵۳).

تمرکز قطعنامه ۱۸۸۹ بر نهادهای سازی صلح پس از درگیری و نیز فراخوان توسعه نمایندگانی برای ارزیابی اجرای قطعنامه ۱۳۲۵ در درون سیستم ملل متحد و در دولتهای عضو است. عدم حضور زنان در عملیات صلح نباید به محرومیت از نهادهای سازی صلح و تلاشهای بازسازی تسری یابد، چرا که در نتیجه آن نه تنها نیازهای زنان بی پاسخ می ماند، بلکه فرصت های توفیق و پایداری تحکیم صلح نیز بطور گسترده ای کاهش می یابد. قطعنامه ۱۳۲۵ سند راهبردی مفیدی برای توفیق زنان در جهت حضور در رهبری سازمان ها و تشکیل کمپین ها و نیز اتخاذ ابتکاراتی برای تقویت رهبری زنان و مشارکت آنان در درون جوامع محلی بوده است (۵۴).

سازمان های محلی صلح ممکن است در برابر مشارکت و دخالت زنان از خود مقاومت نشان دهند. البته بایستی توجه داشت صرف حضور مذاکره کنندگان زن، تضمین کننده این نیست که مسایل برابری جنسیتی در دستور کار صلح قرار گیرد. لازم است تمامی فعالان در فرایند های رسمی صلح، زن یا مرد، برای توجه به وضعیت ناگوار و نگرانی های زنان و مردان آگاهی و ظرفیت لازم را داشته باشند.

حضور عملی و ظرفیت های همکاری فعالان زن که در فعالیت های غیر رسمی بکار گرفته شده بایستی به مشارکت و نفوذ در فعالیت های رسمی تبدیل گردد. اگر موافقت نامه های صلح صراحتا به اهمیت برابری جنسیتی نپردازد، جلب توجه به ابعاد جنسیتی و نگرانی های زنان نظیر مقررات حقوق بشری در قوانین اساسی جدید، فرایندهای انتخاباتی، اصلاحات ارضی و قوانین مرتبط با خشونت جنسی، ممکن است در مرحله اجرایی دشوار باشد. از این رو لازم است شورای امنیت

برنامه های صلح گروه ها و شبکه های زنان را بطور روز افزونی شناسایی نموده و از آنها پشتیبانی نماید.

بدون مشارکت معنادار زنان در همه جنبه های فرایند صلح، همچنان شاهد تعداد اندک زنان در نقش های رهبری خواهیم بود. حقوق زنان هم چنان در مخاصمات و در وضعیت های پس از درگیری نقض شده، معافیت از مجازات و بی کفیری در پاسخ به جرایم مرتبط با خشونت های جنسی تداوم می یابد(۵۵).

### نتیجه گیری

دخالت شورای امنیت در مسائل مربوط به امنیت بشری و بطور خاص واکنش این نهاد به خشونت علیه زنان در درگیری های مسلحانه و هنجارسازی از طریق صدور قطعنامه های اعلامی، انتقال نگرانی از کشورها به افراد و محوریت امنیت انسانی در تصمیمات شورای امنیت را نشان می دهد. تکرار قابل توجه قطعنامه های شورای امنیت در خصوص زنان، صلح و امنیت در طول یک دهه نشان از اهمیت و ضرورت مشارکت زنان در فرایند صلح، جدی بودن بحران خشونت جنسی علیه زنان در درگیری های مسلحانه و نقض حقوق بشر آنان است. از سوی دیگر، این وضعیت می تواند دلیلی بر عدم اجرای الزام های مقرر توسط شورای امنیت و ناکافی بودن سازکارهای اجرایی و یا عدم کفایت نظارت و حساب پذیری دولت های عضو باشد.

در جریان این قطعنامه ها و گفتمان مداوم مرتبط با آن باور عمومی روز افزونی شکل گرفته که زنان نباید در درگیری ها فقط قربانی باشند. زنان می توانند به عنوان عوامل قدرتمند برای صلح و امنیت در جوامع خود عمل کنند. این قطعنامه ها حاصل دهه ها یاری و حمایت جامعه مدنی و سازمان های غیر دولتی و مبتنی بر اسناد مهم بین المللی بوده است. اما فقدان سازکارهایی حساب پذیر در تضمین اجرای این تعهدات بین المللی باعث تنها گذاشتن زنان برای انجام فعالیت های مهم در ساختارهای حمایتی حداقل شده است.

تحقق اهداف مورد نظر شورای امنیت و دستیابی به صلح پایدار مستلزم همراهی همه جانبه دولتهای عضو و ارکان سازمان ملل برای ایجاد و تقویت مجامع مشورتی با جامعه مدنی است. پشتیبانی فنی، مالی و سیاسی از تلاش های بعمل آمده برای تضمین حضور زنان در مذاکرات صلح و حمایت و تامین مالی برای مشارکت معنادار جامعه مدنی از ملزومات این همراهی است. نظارت بر اقدامات بعمل آمده و ارزیابی نقاط قوت و ضعف عملکرد تمامی اجزاء درگیر در این فرایند موثر خواهد بود. در دوران پس از درگیری و در دوره انتقالی نیز، توجه به نیازها و اولویت های مختلف زنان و مردان برای ایجاد جامعه ای دموکراتیک و برابر لازم است. تلاش های بازسازی باید بر اساس اصول حقوق بشر و آگاهی از تفاوت ها و نابرابری های جنسیتی موجود انجام شوند. تبعیض و

نابرابری های جنسیتی می توانند پس از مناقشات ادامه یابند و عمیق تر شوند و نیروی بالقوه زنان و مردان را برای مشارکت و بهره مندی از فرایندهای بازسازی و بازپروری کاهش دهند. اصلاح قوانین باید مقررات تبعیض آمیز را حذف کند و قوه قضاییه تضمین کننده حقوق زنان و در جهت از بین بردن جانبداری جنسیتی در دادگاه ها باشد. ایجاد نظام های انتخاباتی عادلانه و آزاد برای همه، بازسازی جامعه مدنی و ایجاد فرصت های شغلی برابر از دیگر موضوعات مرتبط با زنان و از ضرورت های نهادینه سازی صلح محسوب می شوند.

## منابع:

1- Sponsel, Leslie E, "The Natural History of Peace: A Positive View of Human Nature and Its Potential," in *A Natural History of Peace*, edited by Thomas Gregor. Vanderbilt University Press, 1996, pp.98 .

۲- شایگان فریده، ۱۳۸۰، شورای امنیت سازمان ملل متحد و مفهوم صلح و امنیت بین المللی، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۱۹.

3- Security Council President, Anwarul Karim Chowdhury (Bangladesh).

۴- غضنفری هنگامه، ۱۳۹۴، سازمان های غیر دولتی و فرایند صلح بین المللی، نشر میزان، تهران، ص ۲۱۵.

5- Declaration on the Protection of Women and Children in Emergency and Armed Conflict, General Assembly Resolution 3318, 14 December 1974.

۶- مصفا نسرین، ۱۳۸۳، "کودکان و تعارضات مسلحانه"، مجموعه مقالات همایش نهضت بین المللی صلیب سرخ و هلال احمر و حقوق بشر دوستانه، چاپ پویا، تهران، ص ۴۷.

7- Lieber Code.

8- Judith Gardam, 1998, 'Women, human rights and international humanitarian law', in *International Review of the Red Cross*, No. 324, p. 423.

9- United Nations, 2002, Women, Peace and Security, Study submitted by the Secretary-General pursuant to Security Council resolution 1325 (2000), United Nations Publication, pp. 33-35.

۱۰- ممتاز جمشید و رنجبریان امیر حسین، ۱۳۸۴، *حقوق بین الملل بشر دوستانه...*، نشر میزان، ص ۱۲۳.

۱۱- ممتاز جمشید و رنجبریان امیر حسین، ۱۳۸۷، *حقوق بین الملل بشر دوستانه...*، نشر میزان، چاپ سوم، ص ۱۲۹ و ۱۳۰.

۱۲- Alain-Guy Tachou-Sipowo, 2010, The Security Council on Women in War; between Peacebuilding and Humanitarian Protection, International Review of the Red Cross, Volume 92, Number 877, p.201.

13- Christine Chinkin, 2001, 'Women's International Tribunal on Japanese Military Sexual Slavery', Editorial, in American Journal of International Law, Vol. 95, No. 2, p. 325.

14- Naomi Cahn, 2005, 'Beyond retribution and impunity: Responding to the war crimes of sexual violence', in Stanford Journal of Civil Rights and Civil Liberties, Vol. 1, Issue 1, p. 207.

۱۵- کولایی الهه، ۱۳۸۵، نقش زنان در ترویج فرهنگ صلح در جهان، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۳، ص ۲۴۳.

۱۶- کولایی الهه، همان، ۲۴۵.

17- Alain-Guy Tachou-Sipowo, Ibid, p.206.

18- World Summit Outcome, 2005.

19- UN Security Council Resolution 1880 (2008).

20- Women Protection Advisors (WPAs).

21- Resolution 1820, (2008), Preamble.

22- Ibid, para.1.

23- Ibid, Preamble.

24- Ibid, para.2.

25- Ibid, para.5.

26- Ibid, para.6.

27- Ibid, para.7.

28- Ibid, para.9.

29- Ibid, para.3.

30- Ibid, para.10.

31- S/2010/604

۳۲- غضنفری هنگامه، پیشین، ۲۱۷.

33- Falch, Å., 2010, " Women's Political Participation and Influence in Post-Conflict Burundi and Nepal". Oslo:PRIO.

34- NGO Working Group on Women Peace and Security.

۳۵- در این روش ( فرمول آریا )، یک عضو شورای امنیت یا رئیس آن دیدگاه های نمایندگان سازمان های غیر دولتی را استماع می نماید و سپس نظرات به شورای امنیت منعکس می گردد.

۳۶- این جلسه که ریاست آن از طرف سازمان ملل به جامائیکا سپرده شده بود در ۲۴ اکتبر ۲۰۰۰ برگزار شد و سازماندهی آن توسط نامیبیا صورت گرفت.

37- Hague Appeal for Peace.

38- International Alert.

39- International Women's Tribune Center.

40- Women's Caucus for Gender Justice.

41- Women's Commission for Refugee Women and Children.

42- Women's International League for Peace and Freedom.

43- Global Action to Prevent War.

۴۴- برای مطالعه بیشتر به آدرس اینترنتی ذیل مراجعه نمایید:

[www.globalactionpw.org/](http://www.globalactionpw.org/)

۴۵- جین آدامز از بنیانگذاران این مجمع در ۱۹۳۱ و امیلی گرین بالچ اولین مدیر بین المللی آن در ۱۹۴۶ جایزه صلح نوبل را دریافت نمودند.

46- Regina. Bircham, "The Women's International League for Peace and Freedom", In *To Beijing and Beyond: Pittsburgh and the United Nations Fourth world Conference on Women*, ed. Janice Auth, Pittsburgh: university of Pittsburgh Press, Pp.43-45.

۴۷- برای مطالعه بیشتر تاریخچه و عملکرد این سازمان به آدرس اینترنتی ذیل مراجعه نمایید:

[www.wilpf.org/](http://www.wilpf.org/)

48- Sen, C. P, 2005, " Beyond Conflict Prevention: How Women Prevent Violence and Build Sustainable Peace", New York: Global Action to Prevent.

49- Ariño, M. V, 2008, *Peace processes, gendered processes: Obstacles, implications and modalities from a gender perspective*.

50- Michelle Page, T. W, 2009, "Strategies for Policymakers: Bringing Women into Peace Negotiations", Washington, D.C.: *The Institute for Inclusive Security*.

51- Ariño, M. V, 2008, Ibid.

۵۲- کولایی الهه، پیشین، ص ۲۵۲- ۲۵۱.

53- UN Security Council Resolution 1889 (2009).

54- NGO Working Group on Women, Peace and Security. (2009, October 5). Statement to United Nations Security Council by Ms. Asha Hagi Elmi Amin at the Open debate on Women, Peace & Security.

55- Mader K ,Taylor. S. (2010, April). CSAG Advocacy Brief: Women's Participation and Leadership. NGO Working Group on Women, Peace and Security.